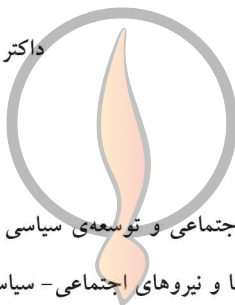


## تنوعات اجتماعی و توسعه سیاسی

### از منظر قرآن کریم

داکتر محمدعلی جوادی\*



چکیده

مقاله‌ی حاضر تحت عنوان «تنوعات اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی از منظر قرآن کریم» به بیان دیدگاه قرآن در باره‌ی نقش گروه‌ها و نیروهای اجتماعی - سیاسی و الگوی مطلوب حضور و مشارکت آن‌ها در فرآیند سیاسی برای نیل به توسعه‌ی سیاسی می‌پردازد. نگارنده پس از تعریف مفاهیم و بیان وضعیت‌های ممکن در صورت حضور نیروهای اجتماعی، با قید تنوع و تکثر، به بررسی دیدگاه قرآن در این باره پرداخته است. حاصل جمع قرائن دوگانه‌ی موجود در قرآن که از یک سو بر وحدت و انسجام امت تاکید می‌کنند و از سوی دیگر، اموری را مطرح می‌کنند که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تایید و پذیرش کثرت‌ها و تنوعات اجتماعی از آن قابل استفاده است، ارائه‌ی دیدگاه تنوع ارگانیک است. تنوع ارگانیک کثرتی است که در دل وحدت و انسجام کلی جامعه‌ی اسلامی تعریف می‌شود و به لحاظ حوزه‌ی طرح، مقید به دو قید است: برخاسته از تنوع در جایگاه و نقش تخصصی نیروهای اجتماعی است و دوم، در منطقه‌ی الفراغ و یا حوزه‌ای است که شرع ضمن بیان اهداف و مبانی

\* نویسنده و پژوهشگر javadi2226@gmail.com

کلی، حکم جزئی خاصی در آن باره تعیین نکرده است. ساختار تنوع ارگانیک در دو محور توضیح داده شده است: ابتدای جامعه بر مبنای عقیده و بسترسازی نهادی. بسترسازی نهادی ناظر به فراهم آوردن زمینه‌های ساختاری رقابت سالم و سازنده است که شامل ساختارهای حقوقی، سیاسی و فرهنگی است.

واژگان کلیدی: توسعه‌ی سیاسی، شکاف‌های اجتماعی، تنوع ارگانیک.

## طرح مسأله

پیشرفت مقوله‌ای بسیط و تک‌بعدی نیست بلکه دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. بعد سیاسی پیشرفت ناظر به ابعاد مدیریت عمومی جامعه در مسیر نیل به اهداف و ارزش‌های تعیین شده است. این مهم، در گرو اموری همچون ثبات سیاسی، وحدت و انسجام نیروهای سیاسی، مشارکت و همراهی اقشار و آحاد مختلف جامعه، شناسایی و رشد ظرفیت‌ها و استعدادها، بلوغ سیاسی کنشگران عرصه‌ی سیاست است و اموری همچون منازعات و تضادهای نیروهای سیاسی و اجتماعی، توده‌گرایی، چند پارگی و گسست اجتماعی و... مانع تحقق آن محسوب می‌شود.

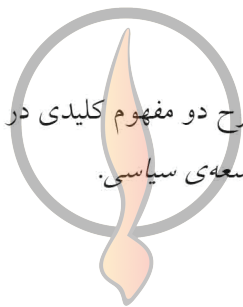
از دیگر سوی، جامعه هیچ‌گاه واحدی یکدست و یکپارچه نیست و عملاً ما با واحدی چندگونه و ناهمگن مواجه هستیم که از واحدهای متمایز و گاه متخصصی تشکیل شده است. تنوعات اجتماعی در هر جامعه‌ای وجود دارند و پایه و بنیاد شکل‌گیری نیروها و جریان‌های سیاسی محسوب می‌شوند. وجود گروه‌های متنوع اجتماعی، در منافع را در پی می‌آورد و در نتیجه، به شکل‌گیری گروه‌های متمایز و گاه متخصص تبارز می‌کند.

مسأله‌ی این نوشتار با کنار هم قرار گرفتن دو واقعیت فوق آشکار می‌گردد. توسعه سیاسی مشروط به وجود شرایط و فقدان موانعی است که وجود تنوعات اجتماعی را برای آن تبدیل به شمشیری دو دم می‌کند. در این جا همواره دو وضعیت در دو سوی یک پیوستار قابل تصور است. نخست وضعیتی که در آن تنوعات و تکثرات اجتماعی به قطبی شدن جامعه منجر می‌گردند و

آن را به بخش‌های متخصص و آشتی‌ناپذیر تبدیل می‌کنند، ثبات سیاسی با چالش مواجه می‌شود و فروپاشی و انهدام جامعه هر آن انتظار کشیده می‌شود. وضعیت دوم حالتی است که در آن، تنوعات سیاسی در قالب الگویی سازوار، امکان مشارکت و همراهی تمامی آحاد و اقشار جامعه را در سیاست‌گذاری‌ها فراهم می‌آورد، موجبات کشف و بلوغ ظرفیت‌ها و استعداد‌های سیاسی را مهیا می‌سازد، پختگی و سنجیدگی تصمیم‌ها و برنامه‌های سیاسی را تضمین می‌کند و در نهایت موجبات توسعه سیاسی را آماده می‌سازد. مسأله‌ی این نوشتار، استخراج الگویی از درون آیات قرآن برای مشارکت جریان‌ها و گروه‌های اجتماعی و سیاسی است که در نهایت وضعیت دوم را برای جامعه‌ی اسلامی به ارمغان بیاورد.

## مفاهیم

پیش از ورود به بحث، شایسته است به شرح دو مفهوم کلیدی در این مقاله پرداخته شود. این دو مفهوم عبارتند از: تنوعات اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی.



## تنوعات اجتماعی

مقصود از تنوعات اجتماعی، گروه‌بندی‌های موجود در جامعه است که بر اساس روند تمایزیابی اجتماعی و مبتنی بر اموری همچون عقاید، منافع، ویژگی‌های جمعیتی، جغرافیایی، نقش و جایگاه اجتماعی و... به وجود می‌آیند. تنوعات اجتماعی اشاره به این حقیقت دارد که جامعه دارای بافت یکدست و همگن نیست بلکه ذاتاً «چندگونه»<sup>۱</sup> و متشکل از گروه‌هایی است که اعضای آن‌ها از فرصت‌های مشترک زندگی، شیوه‌های مشترک زیست، نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های مشترکی در باره‌ی جامعه و خود، آگاهی به موقعیت اجتماعی خویش و احساس تمایز نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی برخوردارند.<sup>۲</sup> این گروه‌بندی‌ها بر محور شکاف‌های اجتماعی موجود در یک جامعه صورت می‌گیرد: «شکاف‌های اجتماعی به طور کلی موجب

۱. گولد، جولوس؛ کولب، ویلیام، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی گروه مترجمان، به کوشش محمد جواد زاهدی، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۹۲، ص ۲۹۰.  
 ۲. همان، ص ۶۶۵.

تجزیه‌ی جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌های منفعتی، عقیدتی، قومی و غیره می‌گردد.<sup>۱</sup> شکاف‌های اجتماعی ماده‌ی خام تنازعات اجتماعی هستند. آن‌ها چیزهایی هستند که «ما» را از «آن‌ها» جدا می‌سازند.<sup>۲</sup>

برخی از این گروه‌بندی‌ها و تنوعات، لازمه‌ی سازمان اجتماعی بوده و حول محور شکاف‌های ساختاری به وجود می‌آیند؛ شکاف‌هایی که به مقتضای برخی ویژگی‌های دگرگونی‌ناپذیر و پایدار در جامعه‌ی انسانی پدید آمده‌اند و همواره وجود دارند. به عنوان مثال تداوم تقسیم کار همواره نوعی از شکاف‌های طبقاتی را ایجاد می‌کند.<sup>۳</sup> همچنین شکاف‌های ناشی از تقسیم جنسیتی و سنی (فاصله‌ی نسل‌ها)، از جمله‌ی شکاف‌های ساختاری می‌باشند.

نوع دیگر از تنوعات اجتماعی بر اساس شکاف‌هایی صورت می‌گیرند که لزوماً گریزناپذیر نیستند. این شکاف‌های اجتماعی حاصل سرنوشت تاریخی یک کشور هستند و بنابراین ضرورت ساختاری ندارند. تحولات و تصادف‌های تاریخی در تکوین این شکاف‌ها در هر جامعه مؤثرند. از جمله شکاف‌های تاریخی باید از شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای، شکاف‌های قومی، زبانی، نژادی و غیره سخن گفت.<sup>۴</sup>

بر این اساس، تنوعات اجتماعی صرفاً در قالب طبقات که مبنایی اقتصادی دارند، جلوه‌گر نمی‌شوند و تضاد طبقاتی، هیچ پیشینگی یا اولویتی نسبت به سایر تضادهای اجتماعی ندارد. علاوه بر منافع اقتصادی، مایه‌ها و سرچشمه‌های اجتماعی متنوعی مانند نژاد، جنسیت، قومیت، مذهب، زبان، سن و مانند آن برای پیدایش شکاف‌های اجتماعی وجود دارد که هر کدام ممکن است علت پیدایش گروه‌هایی شوند که از یکدیگر متمایز بوده و بر مبنای این تمایز، آگاهی و کنش سیاسی خود را سامان دهند.<sup>۵</sup>

۱. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۶، ص ۵۵۱.

۲. دلیرپور، پرویز، درآمدی به نظریه‌های گوناگون پیرامون جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی، در: نوریس، پپیاء؛ کدی، نیکی‌آر و دیگران، جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی، نگارش و برگردان: پرویز دلیرپور، علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۸، ص ۱۸.

۳. بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۰.

۴. همان، ص ۱۰۱.

۵. دلیرپور، پرویز، درآمدی به نظریه‌های گوناگون پیرامون جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی، در: نوریس، پپیاء؛ کدی، نیکی‌آر و دیگران، جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی، نگارش و برگردان: پرویز دلیرپور، علیرضا سمیعی اصفهانی، ص ۱۷.

تنوعات اجتماعی، زمانی که با خودآگاهی، انسجام، تعیین اهداف و اقدام برای نیل به آن اهداف همراه شود، به یک نیروی سیاسی در دل جامعه تبدیل می‌شود؛ چیزی که در زبان جامعه‌شناسی سیاسی گاه از آن به گروه‌های فشار و یا گروه‌های ذینفع هم تعبیر می‌شود. نیروهای سیاسی زمانی شکل می‌گیرند که خودآگاهی بخشی از جامعه از داشتن نیازها و منافع، متفاوت با دیگر اعضای جامعه و به عنوان یک گروه، شکل بگیرد و برای آن‌ها در سپهر سیاسی جامعه اهدافی را ترسیم کند و آنان را به اقدام برای تامین منافع مذکور سوق دهد.<sup>۱</sup>

### توسعه‌ی سیاسی

در گروهی از تعاریف ارائه شده، توسعه‌ی سیاسی ناظر به وضعیتی است که در آن «نظام سیاسی از پیچیدگی بیشتر، تنوع ساختاری افزون‌تر و نهادهای جدیدتری برخوردار شده» باشد.<sup>۲</sup> از جمله‌ی کسانی که پیچیدگی و تکامل ساختاری را از مولفه‌های اصلی مفهوم توسعه‌ی سیاسی برمی‌شمارند، ساموئل هانتینگتون است: «وی بر این نظر است که هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد».<sup>۳</sup> کسانی که به شاخص‌هایی همچون «غیر شخصی شدن و ثبات در سیاست از طریق گسترش نهادهای سیاسی»<sup>۴</sup> و یا به «پارلمنتاریسم، انتخابات، نظام‌های سیاسی چند حزبی و نظام سیاسی رقابتی، اقتدار قانونی نظام یافته»<sup>۵</sup> اشاره دارند، نیز در همین گروه قابل اندراجند.

گروهی نیز معتقدند فرآیند توسعه‌ی سیاسی باعث «گسترش مشارکت و اعطای نقش‌های تصمیم‌گیری به سطوح مختلف جامعه» می‌گردد.<sup>۶</sup> در تلقی کسانی همچون لوسین پای از

۱. صبوری، منوچهر، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵.

۲. قوام، عبدالعلی، تحول در مفهوم توسعه‌ی سیاسی، در: تدبیر، مرداد ۱۳۷۰، شماره ۱۴، ص ۶۱.

۳. همان، ص ۶۱.

۴. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، صص ۵۸۱-۵۸۲.

۵. سریع القلم، محمود، اصول ثابت توسعه‌ی سیاسی، در: اطلاعات سیاسی اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، شماره ۵۵ و ۵۶، ص ۲۶.

۶. قوام، عبدالعلی، تحول در مفهوم توسعه‌ی سیاسی، ص ۶۱.

توسعه‌ی سیاسی افزایش مشارکت سیاسی از ارکان این مفهوم برشمرده شده است.<sup>۱</sup> توانایی گروه‌های سیاسی در سازمان‌دادن به علایق و منافع خود از نظر سیاسی و فراهم آمدن مجال مشارکت و رقابت سیاسی مستمر و مسالمت‌آمیز از طریق بلوغ فرهنگ سیاسی و بسط عقلانیت سیاسی<sup>۲</sup> نیز از جمله‌ی ارکان مفهوم توسعه‌ی سیاسی در رویکرد دوم است.

چه بسا بتوان ویژگی دو رویکرد مذکور را این گونه بیان کرد که در گروه نخست تکامل تقویت و یا گسترش دولت به عنوان شاخص توسعه‌ی سیاسی قلمداد می‌گردد؛ حال آن که در رویکرد دوم، تکامل، تقویت و گسترش توانایی‌های جامعه به عنوان شاخص توسعه تلقی می‌شود.<sup>۳</sup>

آنچه در این نوشتار از عبارت «توسعه‌ی سیاسی» مورد نظر است، هیچ یک از معانی فوق نیست، هر چند ممکن است با بسیاری از آن‌ها تلازم و یا همراهی داشته باشد. به نظر می‌رسد در تمامی تعاریف ارائه شده از توسعه‌ی سیاسی، به نوعی نگاهی که قدرت در آن به مثابه‌ی هدف نگریسته می‌شود، اشراب شده است. بر اساس چنین رویکردی، توسعه‌ی سیاسی ملازم با تکامل، رشد و تقویت نظام سیاسی در یک جامعه است. به اعتقاد نگارنده در نگرش اسلامی قدرت موضوعیت نداشته و هیچ‌گاه از شأن ابزار و وسیله فراتر نمی‌رود. از این رو، توسعه‌ی سیاسی نیز در واقع حیثیتی ابزاری دارد و تلقی این چنینی از توسعه‌ی سیاسی با نگاه ابزاری به مقوله‌ی قدرت سازگاری بیشتری دارد. بر این اساس توسعه‌ی سیاسی ناظر به بسترسازی‌ها و مقدمات سیاسی مورد نیاز برای نیل جامعه به اهداف و ارزش‌های تعیین شده است. کارویژه‌ی نظام سیاسی چیزی نیست جز مدیریت نیروهای اجتماعی در راستای نیل جامعه به اهدافی که توسط نظام فرهنگی تعیین می‌گردد. بنابراین در این نوشتار، توسعه‌ی سیاسی را در وسیع‌ترین تلقی، می‌توان معادل «کارآمدی» تجمع سیاسی در راستای تحقق اهداف جامعه دانست.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۶۲.

۲. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، صص ۵۸۱-۵۸۲.

۳. همان، ص ۵۶۹.

۴. لاریجانی، محمد جواد، تدین حکومت و توسعه، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه‌ی معاصر، ۱۳۷۷، ص ۳۰۷.

## تنوعات اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی

در مورد نقش تنوعات و گروه‌های اجتماعی در پیشرفت جامعه، وضعیت‌های مختلفی قابل تصور است که در هر یک از آن‌ها بر اساس نوع تأثیر، رابطه‌ی میان این دو متغیر از همبستگی مثبت تا همبستگی منفی در نوسان است. می‌توان وضعیتی را در نظر گرفت که وجود نیروهای اجتماعی و گروه‌های نفوذ و یا گروه‌های فشار، مانعی در مسیر دولت‌مردان و استقلال آن‌ها در اتخاذ تصمیمات درست و اجرای آن‌ها است. بر همین اساس است که کسانی همچون توماس هابز گروه‌های اجتماعی را «گرم روده‌ی دولت» می‌خوانند.<sup>۱</sup> این از آن رو است که قدرت نسبی گروه‌های مستقل، از قدرت حاکمیت و دولت می‌کاهد و این کاهش به نظم سیاسی آسیب می‌زند و دولت را از تصمیم‌گیری مستقل در پاره‌ای موارد باز می‌دارد.<sup>۲</sup> تنوعات اجتماعی گاه چنان پررنگ می‌شوند که جامعه را به قطب‌های سازش‌ناپذیری تقسیم می‌کند و تخاصم میان آن‌ها تا سر حد خشونت‌های ویران‌کننده پیش می‌رود. تعارض و تضاد مستمر در میان نیروهای اجتماعی، ثبات سیاسی را با چالش مواجه می‌سازد. میدان دادن به گروه‌های مختلف اجتماعی در عرصه‌ی سیاست، مجال ظهور و قدرت یافتن جریان‌های پوپولیستی را تقویت کرده و مانع تولید فرآیندهای عقلانی و تخصصی تصمیم‌گیری و سیاست‌سازی می‌شود.<sup>۳</sup> کثرت‌گرایی و پذیرش ظهور تنوعات اجتماعی در عرصه‌ی سیاست، به تناقض‌ها، جدال‌ها و تعارض‌ها، در روز روشن، امکان تجلی می‌دهد.<sup>۴</sup> مضاف بر تمام این موارد، گروه‌بندی‌های اجتماعی به نوعی موجب تثبیت نابرابری‌ها می‌گردند؛ زیرا این گروه‌ها تنها بر منافع خویش تاکید دارند.<sup>۵</sup>

از دیگر سوی، مشارکت نیروهای مختلف اجتماعی و همراهی آنان با حاکمیت، ضریب ثبات و امنیت سیاسی را به شدت افزایش می‌دهد. فراهم ساختن بسترهای مناسب برای فعالیت و مشارکت نیروهای مختلف اجتماعی در عرصه‌ی سیاست، از طریق تعبیه و طراحی فرآیندهای

۱. بشیریه، محمدحسین، جامعه‌شناسی سیاسی، ص ۹۷.

۲. واعظی، احمد، جامعه‌ی مدنی، جامعه‌ی دینی، ص ۷۱.

۳. سجادی، عبدالقیوم، مبانی تحزب در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، ص ۷۱.

۴. دوروزه، موریس، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۶۰.

۵. واعظی، احمد، جامعه‌ی مدنی، جامعه‌ی دینی، ص ۷۱.

معقول، غیر شخصی و نهادی، پختگی سیاست‌ها، برنامه‌ها و تصمیمات گرفته شده را ارتقاء می‌بخشد. مشارکت نیروهای اجتماعی، امکان بسیج آحاد جامعه را در راستای تحقق اهداف سیاسی تسهیل می‌کند. میدان دادن به نیروهای اجتماعی به ظهور و تکوین سازمان‌ها و تشکیلات مردم‌نهاد منجر می‌گردد که گامی بلند در جهت تربیت و بلوغ سیاسی محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> به علاوه، بی‌اعتنایی به تنوعات اجتماعی و جلوگیری از حضور و ظهور آن‌ها در سپهر سیاست، بی‌میلی سیاسی را افزایش می‌دهد و از خودبیگانگی سیاسی را نسبت به نظام تشدید می‌نماید.<sup>۲</sup> اجازه ندادن به ظهور تکثرات اجتماعی در حوزه‌ی سیاست، به تراکم بیش از حد قدرت منجر می‌گردد و آزادی و خودمختاری و شقوق انتخاب افراد را تحدید کرده و چالپوسی و دورویی را ترویج می‌کند.<sup>۳</sup>

بنابراین، با توجه به زوایای گوناگون و پیچیده‌ی این بحث، صدور یک حکم کلی در مورد تأثیر مثبت و یا منفی وجود نیروهای متنوع اجتماعی عامل در سطح سیاسی دشوار است. از سوی دیگر، وجود تنوع‌های اجتماعی در جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است. وجود سازمان اجتماعی بسیاری از تفکیک‌ها و تنوع‌ها را لاجرم به دنبال دارد و تاریخ، فرهنگ و جغرافیا نیز در بسیاری از مواقع تنوع‌های اجتماعی چاره‌ناپذیری را برای یک جامعه به ارمغان می‌آورد. بنابراین، به نظر می‌رسد بهترین موضع برای جامعه‌ای که قصد گام برداشتن در مسیر پیشرفت و توسعه را دارد، نه چشم بستن بر روی این تنوعات و نه اتخاذ سیاست‌های یکسان‌سازی و حذفی، بلکه مدیریت آن‌ها در جهت شکوفایی توانمندی‌ها و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در نیروهای مختلف اجتماعی است.

## اسلام و تنوعات اجتماعی

آیا اسلام ظهور نیروهای سیاسی متنوع در جهت پی‌جویی اهداف و منافع گروهی را می‌پذیرد؟ یا آن که از نگاه اسلام، تنوع و تعدد نیروهای اجتماعی در سطح سیاست امری ناپذیرفتنی است

۱. سجادی، عبدالقیوم، مبانی تحزب در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، ص ۸۲.

۲. چلبی، احمد، جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱.

۳. همان، ص ۲۱۲.



که به تشمت و ضعف نظام سیاسی منجر می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش، بایستی ابتدا شواهد مختلفی که از آیات قرآن قابل استفاده است را بررسی کنیم.

## تأکید بر وحدت و انسجام اجتماعی

آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که تنوع نیروهای اجتماعی در سطح سیاسی و پی‌جویی اهداف و منافع متمایز را مورد نکوهش قرار می‌دهد و مسلمانان را از آثار سوء تشمت و اختلاف بر حذر می‌دارد. قرآن، مسلمانان را «امت واحد» خطاب می‌کند<sup>۱</sup> و واحد سیاسی مورد پذیرش خود را «امت» معرفی می‌کند. مقصود از امت، جماعتی است که هدفی واحد آن‌ها را به گرد خویش جمع کرده باشد.<sup>۲</sup> مسلمان از هر طایفه، قومیت، قبیله، جغرافیا، گروه، جنسیت، طبقه و جایگاه و شان اجتماعی و ... در درجه‌ی نخست مسلمان است و هیچ یک از تعلقات گروهی پیش گفته، نبایستی موجبات جدایی او از سایر مسلمانان و از پیکره‌ی جامعه‌ی اسلامی را فراهم آورد.<sup>۳</sup>

لازمه‌ی پذیرش تکثر نیروهای اجتماعی در کنش‌های سیاسی، پذیرش تنازع و رقابت میان آن‌ها در نیل به اهداف سیاسی است، اهدافی که به تعداد نیروهای سیاسی، متنوع و متعدد هستند. از نگاه قرآن، تنازع و تضاد میان مسلمانان موجب شکست نظام سیاسی را فراهم می‌آورد و عزت و شوکت آنان را از میان می‌برد: «و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بددل می‌شوید، و قدرت و شوکت‌تان از میان می‌رود»<sup>۴</sup> در این آیه خداوند از مسلمانان می‌خواهد تا در امر جهاد با یکدیگر اختلاف نکنند و از فرامین و دستورات پیامبر اطاعت نمایند. تکثر آراء و نزاع در مورد تعیین سیاست‌ها و اهداف جنگی، موجبات شکست آن‌ها را فراهم می‌آورد و هیمنه‌ی نیروهای مسلمان را در هم می‌شکند.<sup>۵</sup>

۱. انبیاء، ۹۲.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۵۵.

۳. فضل الله، سیدمحمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۲۶۴.

۴. انفال، ۴۶.

۵. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، ج ۱۰، ص ۳۹۴.

وحدت نیروهای اجتماعی باعث می‌شود تا جامعه‌ی اسلامی در برابر دشواری‌ها و مشکلات پیش رو، همچون سدی آهنین ثابت و استوار باقی بماند: «خدا دوست دارد کسانی را که در راه او در صفی واحد، همانند دیواری که اجزایش را با سُرَب به هم پیوند داده باشند، می‌جنگند»<sup>۱</sup>. مراد از «صف» این است که اشیاء یا افراد متعدد در خطی مستقیم قرار گیرند.<sup>۲</sup> قرار گرفتن در یک خط مستقیم به این معنا است که تمامی نیروهای اجتماعی راستایی واحد در کنش‌های سیاسی خود داشته باشند و تنوع در منافع گروهی موجب تنوع در جهت‌گیری‌های سیاسی آنان نشود.<sup>۳</sup> اساساً راه خداوند، راهی یگانه و مستقیم است و تنوع در جهت‌گیری‌ها لاجرم به انحراف از مسیر و تفرقه منجر خواهد شد: «و این است صراط مستقیم من. از آن پیروی کنید و به راه‌های گوناگون مروید».<sup>۴</sup> این آیه، بیان‌گر این حقیقت است که خط سیر تکامل انسان، جامعه و جهان، خط سیری واحد و مستقیم است و نیل به تکامل و توسعه، مستلزم حرکت در این خط سیر واحد و مستقیم است. این خط سیر با تغییر شرایط دچار دگرگونی و انحراف نمی‌شود و مقصد و مسیر، همواره مشخص و یگانه است.<sup>۵</sup>

### تأیید کثرت‌های اجتماعی

گروه دوم از شواهدی که در بررسی دیدگاه قرآنی توجه پژوهشگر را به خود جلب می‌کند، قرائنی است که به صورتی مستقیم و یا غیر مستقیم، میدان‌دادن به نیروهای اجتماعی و پذیرش تنوعات در سطح سیاسی از آن قابل استفاده است. این شواهد در دو گروه قابل اندارج هستند. نخست، آیاتی که تفکیک اجتماعی را به عنوان ضرورتی ساختاری مطرح می‌سازند و دوم، شواهدی که مشارکت نیروهای سیاسی را تشویق می‌کنند.

۱. صف، ۴.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۴۲۱.

۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، مکرر، ج ۲۳، ص ۱۵۱.

۴. انعام، ۱۵۳.

۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۶۰.

## تفکیک اجتماعی به عنوان ضرورتی ساختاری

خداوند وجود تنوعات و تکثرات را به خود نسبت داده و می‌فرماید: «اگر پروردگار تو خواسته بود، همه مردم را یک امت کرده بود، ولی همواره گونه‌گون خواهند بود».<sup>۱</sup> مطابق با این آیه، خداوند قادر است تا تمامی عوامل ایجاد تنوع در انسان‌ها، از جمله تنوع در توانمندی‌های فکری و جسمی و گوناگونی ظرفیت‌ها و استعدادها را از میان برده و به لحاظ ویژگی‌های طبیعی و ویژگی‌های حیات اجتماعی، انسان‌ها را یکسان و یکدست بیافریند. اما سنت خداوند بر این قرار گرفته تا انسان‌ها در تمامی امور مذکور، گونه‌گون، متنوع و متکثر باشند. نتیجه‌ی طبیعی و منطقی این امر، وجود تنازع و تقابل میان گروه‌های مختلف انسانی است.<sup>۲</sup> به بیان برخی مفسرین، منظور از اختلاف در این آیه «اختلاف در ارزاق و احوال»<sup>۳</sup> و یا طبقه و پایگاه اجتماعی است. این تنوع و اختلاف، اقتضای طبیعت حیات انسانی است و اختلاف، همان موتور محرکه‌ی تاریخ زندگی بشری است که تطورات جوامع را رقم می‌زند.<sup>۴</sup> این گوناگونی اندیشه‌ها، ذوق‌ها، سلیق و طبایع است که هر کدام بخشی از جامعه را می‌سازد.<sup>۵</sup> اساساً نمی‌توان در جهانی هزاررنگ و صدگونه، انسان‌ها یکسان و مشابه باشند.<sup>۶</sup>

قرآن کریم پیدایش بسیاری از تنوعات و ظهور بسیاری از گروه‌های اجتماعی را لازمه‌ی گریزناپذیر ساختار اجتماع معرفی می‌کند و لازمه‌ی حیات اجتماعی را تفکیک نقش‌ها و قرار گرفتن انسان‌ها در جایگاه‌های متفاوت می‌داند؛ چینی‌هایی که لاجرم نابرابری‌های اجتماعی را به دنبال خواهد آورد: «ما روزی آنها را در زندگی دنیا میانشان تقسیم می‌کنیم و رتبه‌ی بعضی را بالاتر از بعضی دیگر قرار داده‌ایم تا بعضی بعض دیگر را به خدمت گیرند».<sup>۷</sup>

این آیه یکی از مهم‌ترین آیات اجتماعی قرآن است و به تعبیر برخی، مهم‌ترین آیه‌ای است

۱. هود، ۱۱۸.

۲. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، ج ۱۲، ص ۱۴۹.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۱۱.

۴. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، ج ۱۲، ص ۱۵۱.

۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۸۰.

۶. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۳۳۲.

۷. زخرف، ۳۲.

که به بیان فلسفه‌ی حیات اجتماعی از دیدگاه قرآن پرداخته است.<sup>۱</sup> این آیه به ضرورت تفکیک نقش‌ها برای تکوین ساختار اجتماعی اشاره می‌کند. حاصل این تفکیک، پیدایش جایگاه‌هایی نابرابر، ناهمگن و متنوع و تکوین گروه‌های مختلف اجتماعی است که برخی از آن‌ها برخی دیگر را به «استخدام» و یا «تسخیر» خویش درمی‌آورند.<sup>۲</sup> البته این نابرابری‌ها لزوماً یک طرفه نیستند بلکه کثرت گروه‌های اجتماعی بیش از آن که یک طرفه و طولی باشند، متنوع و عرضی هستند.<sup>۳</sup>

تقسیم کار و تفکیک نقش‌ها به صورت تخصص‌های متنوع، ضرورتی واقعی و خارجی است و بدون آن حیات اجتماعی سامان نمی‌یابد. لازمه‌ی این کار، قرار گرفتن انسان‌ها در گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی است. نظام متنوع نیازهای انسانی پشوانه‌ی توجیهی ظهور ساختار مبتنی بر تنوع گروه‌های اجتماعی است. حیات اجتماعی انسان، شبکه‌ای از نیازها را به وجود می‌آورد که بر طرف شدن آن‌ها نیازمند منظومه‌ای متنوع مبتنی بر تفکیک نقش‌ها و تقسیم کار و همراه با روابط متقابل میان این نقش‌ها است. توازن طبیعی ساختار جامعه در گرو وجود این نقش‌های متنوع، متکثر و وابسته به یکدیگر است.<sup>۴</sup> مرحوم فیض در تفسیر صافی نیز در تفسیر آیه‌ی مبارکه می‌نویسد: «تا هر گروه گروه‌های دیگر را در جهت تأمین نیازهای خویش به کار گیرد و بدین سان، الفت و همبستگی میان آن‌ها به وجود آید و به این ترتیب نظام عالم انتظام یابد».<sup>۵</sup>

منطق تعامل میان این گروه‌های مختلف، منطق معیشت، تأمین منافع حیات انسانی و یا رفع نیازهای او است.<sup>۶</sup> وجود منافع متنوع و متکثر، متناسب با تنوع و تکثر گروه‌های اجتماعی، تنوع اهداف را در کنش‌های کنشگران اجتماعی به دنبال دارد و چنان که اصل استخدام نیز مفید این معنا است، قاعده‌ی حاکم استفاده از دیگر گروه‌ها در جهت تأمین منافع خود است.<sup>۷</sup>

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۱۸، ص ۱۴۸.

۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۱۴.

۴. فضل‌الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، ج ۲۰، ص ۲۳۴.

۵. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۸۸.

۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۱۸، ص ۱۴۸.

۷. طباطبایی، سید محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه‌ی محمد جوادی حجتی کرمانی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۸، ص ۱۲۴.

## لوازم مشارکت سیاسی

از دیگر شواهدی که به صورت غیر مستقیم می‌تواند مؤید نظر مثبت اسلام در مورد حضور سیاسی نیروهای اجتماعی با قید تنوع و تعددی که در عالم واقع دارند، باشد، تشویق به مشارکت گسترده‌ی آحاد جامعه، فارغ از جایگاه و نقشی که دارند، در امور سیاسی است. ظهور و آشکاری این امر در دین اسلام چنان است که حتی آنان که از دور دستی بر آتش دارند، به وجود چنین ظرفیتی در آیین اسلام اذعان کرده‌اند.<sup>۱</sup> مسلمانان به هر گروه، قومیت، طبقه و قشری که تعلق داشته باشند، موظفند تا در اصلاح امور جامعه حاکمیت را یاری کنند. سیاست‌ورزی در جامعه‌ی اسلامی به «الیت» خاص یا طبقه‌ی نخبگان تعلق ندارد و در انحصار طایفه‌ای ممتاز نیست، بلکه تمامی افراد فارغ از تعلقات مذهبی، گروهی، زبانی، قومی، نژادی و فکری، وظیفه دارند تا در بهبود اداره‌ی جامعه و ارتقای مدیریت اوضاع، به مساعدت حاکمیت برخیزند.<sup>۲</sup>

امر به معروف و نهی از منکر از جمله‌ی مکانیسم‌های مشارکت گروه‌های مختلف اجتماعی در امور سیاسی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «باید امتی در بین شما باشند تا مردم را به خوبیها دعوت کنند و به معروف فرمان دهند و از منکر بازدارند».<sup>۳</sup> بدیهی است که در جامعه‌ی بسیط و فاقد پیچیدگی ایفای این وظیفه‌ی اجتماعی - سیاسی، هزینه و لوازم اندکی را طلب می‌کند، اما با توسعه و تحول جوامع و پدید آمدن مناسبات و روابط اجتماعی بسیار پیچیده و گسترده، ایفای این وظیفه‌ی اسلامی از سوی آحاد مردم، نیازمند مقدمات فراوانی است.<sup>۴</sup> از جمله‌ی این مقدمات، اجازه‌ی تکوین و ظهور نیروهای اجتماعی و تشکل‌های صنفی و گروهی و حضور آن‌ها به صورتی سازمان‌دهی شده در عرصه‌ی سیاست است. نقش این انجمن‌ها و تشکلات و نیروهای اجتماعی، ایجاد سپهرهای محافظتی است که با نظارت و کنترل سیاست‌ورزی و عمومی ساختن آن، ضریب انحراف در نظام سیاسی را کاهش می‌دهند.<sup>۵</sup>

۱. هانتینگتون، ساموئل، موج سوم دموکراسی، ترجمه‌ی احمد شهسا، تهران، نشر روزنه، ۱۳۷۳، ص ۳۳۵.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۱۲۱.

۳. آل عمران، ۱۰۴.

۴. واعظی، احمد، جامعه‌ی مدنی، جامعه‌ی دینی، ص ۱۳۳.

۵. همان، ص ۱۱۰.

از جمله‌ی دیگر شواهد قرآنی که مشارکت عمومی شهروندان و اعضای جامعه از آن قابل استفاده است، آیات مربوط به لزوم مشورت حاکمان با مردم و طرح شورا به عنوان یکی از مکانیسم‌های تصمیم‌سازی در عرصه‌ی سیاست‌ورزی است. قرآن کریم خطاب به پیامبر خویش می‌فرماید: «در کارها با آنها مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا اعتماد و توکل کن».<sup>۱</sup> در مورد پیامبر اکرم، وجود مقام عصمت و علم لدنی، وی را از مراجعه به آرای مردم بی‌نیاز می‌ساخت. با وجود این، خداوند به پیامبر خویش امر می‌کند تا با مشورت و نظر خواستن از اصحاب، موجبات نهادینه شدن این سنت در جامعه‌ی اسلامی را فراهم، سازد زیرا مشورت و نظر خواستن از افراد و گروه‌های مختلف جامعه به عنوان مکانیسم عقلانی سلامت فرآیندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری را تضمین می‌کند. با توجه به همین نکته است که پیامبر اکرم در تفسیر این آیه می‌فرماید: «خدا و رسول او از مشورت شما بی‌نیازند، لکن خداوند به مشورت فرمان داده تا رحمتی بر امت من باشد. هر آن کس از ایشان که مشورت کند گمراه نخواهد شد و هر آن کس که آن را ترک کند، هدایت نخواهد یافت».<sup>۲</sup> در عین حال، واضح است که تحقق این آموزه در جهان امروز، نیازمند بسترسازی و فراهم کردن مقدمات آن است. مشورت بایستی بر اساس تخصص، دانش و آگاهی افراد باشد. برای تحقق این هدف در دنیای امروز، لازم است تا امکان اظهار نظر اقشار مختلف بر اساس خاستگاه اجتماعی، جایگاه تخصصی و دانش میدانی فراهم شود.<sup>۳</sup> لازمه‌ی این امر آن است تا نیروهای مختلف سیاسی و گروه‌های مختلف اجتماعی در صحنه‌ی سیاست مشارکت داشته باشند و زمینه‌ی سهم گرفتن و مشارکت آن‌ها در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها آماده شود.

همچنین از دیگر لوازم تحقق این امر، فضای آزاد برای طرح نظرات گوناگون و شنیده شدن صداهای مختلف در جامعه است. تحقق آموزه‌هایی نظیر «النصیحة لائمة المسلمین»، نیازمند وجود فضایی است که در آن گروه‌های مختلف منتقدان و ناصحان، امکان مشارکت در اصلاح امور جامعه را داشته باشند. حضرت علی علیه السلام بر همین اساس در نامه‌ی خویش خطاب

۱. آل عمران، ۱۵۹.

۲. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۶۱.

۳. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، ج ۲۰، ص ۱۹۱.

به مالک اشتر به او توصیه می‌کند تا امکان اظهار صریح و بی‌واهمی آرا و نظرات مختلف را فراهم سازد.<sup>۱</sup>

## تنوع ارگانیک

جمع میان قرائن دوگانه‌ی فوق چه بسا در ضمن رویکردی میسر باشد که در آن تنوعات و حضور نیروهای اجتماعی و تعقیب منافع متنوع مجاز شمرده شود و در عین حال، نوعی وحدت، انسجام و وفاق نیز در میان نیروهای متنوع جامعه‌ی اسلامی برقرار باشد. اسلام از طبیعت انسان و حیات اجتماعی غافل نیست و «تشریح خود را بر اساس تکوین و سازمان آفرینش قرار داده است»<sup>۲</sup> و به تعبیر قرآن دین، در سازگاری کامل با فطرت و طبیعت انسان‌ها است.<sup>۳</sup> از این رو، چشم بستن بر اغراض دنیوی و اهداف مادی و عدم پی‌جویی منافع، چیزی نیست که اسلام از انسان می‌خواهد.<sup>۴</sup> اسلام «مردم را به پیروی از نوامیس حیات و رفتن به راه طبیعت امر می‌کند».<sup>۵</sup> از دیگر سوی یکسان‌سازی نیروهای جامعه نه ممکن است و نه با حرکت جامعه به سمت توسعه اجتماعی تناسب دارد. هر جامعه‌ای که در نظر بگیریم از حیث تقسیم کار، مشاغل و گروه‌های مختلف و عقلانیت و فرهنگها و قومیت، دارای شکاف‌هایی هستند که منافع هر گروه را متفاوت از دیگر گروه‌ها تعریف می‌کنند. هر گاه منافع واقعی وجود داشته باشد، لاجرم گروه‌های اجتماعی بر اساس آن تشکیل می‌شود،<sup>۶</sup> حال چه شکل سازمانی به خود بگیرند و چه فاقد سازمان منظم باشند.<sup>۷</sup> وجود چنین گروه‌بندی‌هایی اجتناب‌ناپذیر است و حکومت‌ها نمی‌توانند با توسل به صرف سلطه و ایدئولوژی آن‌ها را نادیده بگیرند. بنابراین در شکل آرمانی مواجهه با این امر، وضعیت مطلوب وضعیتی است که در آن امکان گردآوری منافع مختلف و

۱. نهج البلاغه، ص ۴۳۹: «وَ اجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَفْرَعُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصِكَ وَ تَجْلِسَ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَ تَقْعِدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ اَعْوَانَكَ مِنْ اَحْرَابِكَ وَ شَرِطَكَ حَتَّى يَكَلِمَكَ مَثَلَهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِعٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ لَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِي غَيْرَ مُتَتَعِعٍ».

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۹۹.

۳. روم، ۳۰.

۴. طباطبایی، سید محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۱۰۰.

۵. همان، ص ۱۰۱.

۶. راش، مایکل، جامعه و سیاست، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳، ص ۷۶.

تأمین شرایط لازم برای بیان خواستها و نیازهای اصناف و گروه‌ها و طبقات متفاوت وجود دارد. بدین سان سیاست‌هایی که اتخاذ می‌شود برآیند نظرات گروه‌های مختلف در جامعه خواهد بود. چنین سیاست‌هایی طبعاً پخته‌تر و سنجیده‌تر و پایدارتر خواهند بود.<sup>۱</sup>

چه بسا بتوان استراتژی اسلام در مواجهه با این وضعیت را تنوع ارگانیک نامید. در این استراتژی هدف ریشه‌کن کردن اختلافات و تعارضات نیست بلکه هدف، حفظ اختلافات در بستر اجتماعی گسترده‌تر است. تکثر و تنوع در اهداف و مبانی قطعاً نمی‌تواند مورد پذیرش اسلام باشد، زیرا که این نوع از تکثر، در واقع مساوی انهدام جامعه‌ی دینی است. تکثر به معنای وجود راه‌های موازی که هر یک اهدافی کاملاً متباین را دنبال می‌کنند از نگاه اسلام مردود است: «این است صراط مستقیم من. از آن پیروی کنید و به راه‌های گوناگون مروید که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازد».<sup>۲</sup>

منظور از «صراط مستقیم» همان خطی است که تمامی انبیای الهی، علی‌رغم تفاوت‌های جزئی و ظاهری در دعوتشان، مردم را به سوی آن فرا می‌خواندند. خداوند در این آیه دعوت پیامبر گرامی اسلام را در امتداد همان خط مستقیم معرفی می‌کند. با توجه به همین نکته است که قرآن با اصرار فراوان دین را یکی می‌داند و تنها به وجود یک شاهراه قائل است و اختلاف شرایع و قوانین را فرعی می‌داند: «قرآن با توضیح این نکته که راه بشر یک راه مشخص و مستقیم است و همه پیامبران با همه اختلافاتی که در راهنمایی و دادن نشانی به حسب وضع و موقع زمانی و مکانی دارند، به سوی یک مقصد و یک شاهراه هدایت می‌کنند، جاده ختم نبوت را صاف و رکن دیگر از ارکان آن را توضیح می‌دهد؛ زیرا ختم نبوت آنگاه معقول و متصور است که خط سیر این بشر متحوّل متکامل، مستقیم و قابل مشخص کردن باشد».<sup>۳</sup>

بنابراین، چه بسا بتوان مدعی امکان پذیرش تنوعات و تکثرات در چارچوب وحدت و انسجام کلی جامعه بر مبنای اهداف و مبانی مشترک شد. برآیند آن چه تا کنون در امضای نوع و میزان تکثرات و تنوعات اجتماعی گفته شد، ما را به پذیرش نوعی تنوع ارگانیک سوق می‌دهد. مراد

۱. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، ص ۵۳۶.

۲. انعام، ۱۵۳.

۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۶۱.



از تنوع ارگانیک، وحدت و انسجام در مبانی و اهداف کلی است که جامعه بر مبنای آن شکل می‌گیرد. تکثرهای موجود بیش از آن که جنبه‌ی ایدئولوژیک داشته باشند و شامل اهداف و مبانی شوند، تخصصی و طبیعی بوده و ناشی از تفاوت‌های طبیعی خاستگاه گروه‌های اجتماعی است و امکان رقابتی غیر ایدئولوژیک برای تأمین منافع و در چارچوب اهداف و قوانین کلی جامعه را به آن‌ها می‌دهد. در این نوع از تنوع، پیوندهای ایمانی و ایدئولوژیک موجبات همبستگی و انسجام تمامی اقشار و گروه‌های جامعه را فراهم می‌آورد و به مثابه‌ی چتری، بر تمامی تفاوت‌های جزئی، سایه می‌افکند. اختلاف‌ها و رقابت‌ها تنها در سایه‌ی این چتر کلی مجال ظهور و بروز می‌یابند. در عین حال، معیار تنوع، ویژگی‌هایی است که ناشی از جایگاه و نقش اجتماعی افراد است. گروه‌هایی که این چنین شکل می‌گیرند، به اعضای خود هویت‌های ثانوی صنفی اعطا کرده و در تکامل وضع آنان و کل جامعه و استیفای حقوق آن‌ها، مشارکت کرده و در سیاست‌ورزی سهم می‌گیرند، بی آن که هویت دینی و انسانی افراد در این گروه‌ها قربانی شده و یا عنصری درجه‌ی دوم تلقی شود.<sup>۱</sup> تنوع هیچ‌گاه به معنای تکثر در عقاید و آرمان‌ها نیست، چرا که بازگشت چنین امری در نهایت به «آنارشسیسم ایدئولوژیک» و «پریشانی تئوریک» است.<sup>۲</sup>

رقابت میان گروه‌های مختلف سیاسی، تنها در حوزه‌ی مباحث شرعی و یا آن‌چه که از جانب شرع حکم خاصی برای آن بیان نشده است صورت می‌گیرد. **روزپادان** تأسیس ۱۳۹۴ گروه‌های مختلف اجتماعی آزادند تا انتخاب‌های متنوعی داشته باشند: «اسلام در هر چیزی که خدا مباح کرده است، از ارزاق پاک و پاکیزه و مزایای زندگی عادلانه و بدون افراط و تفریط، به مردم آزادی کامل داده است».<sup>۳</sup>

رقابت نیروهای سیاسی در همان حوزه‌ای صورت می‌گیرد که فقها آن را «منطقه‌الفراغ» می‌نامند. اسلام ضمن بیان کلیات و اهدافی که نظام اجتماعی اسلام بایستی به دنبال تحقق آن‌ها باشد، و نیز ترسیم خطوط قرمز خود، بخشی از احکام مورد نیاز برای تنظیمات اجتماعی را به تشخیص حکومت واگذار کرده تا بر اساس دو فاکتور تعیین گردد: اول، اقتضائات اهداف تعیین‌شده از سوی شرع و دوم، شرایط و مناسبت‌های زمانی و مکانی که دولت اسلامی در آن سیاست‌گذاری

۱. رحیم پور ازغدی، حسن، مدارا نه از راه پلورالیزم، تهران، انتشارات طرح فردا، ۱۳۸۸، ص ۳۱.

۲. رشاد، علی اکبر، دموکراسی قدسی، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹.

۳. طباطبایی، سید محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۱۰۴.

می‌کند. منطقه‌ی فراغ در واقع شامل اموری است که از زمانی به زمان دیگر و از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت است، به خلاف احکام بیان شده از سوی شرع که شامل اموری می‌شود که با تنوع جوامع دچار تنوع نمی‌گردد و برخاسته از اصول و نیازهای ثابت هستی و انسان است.<sup>۱</sup> مکانیسمی که اسلام برای برقراری چنین جامعه‌ای طراحی کرده است، در قالب دو محور کلی بیان می‌شود:

### پی‌ریزی جامعه بر مبنای عقیده

به فرموده‌ی قرآن جامعه‌ی اسلامی بر مبنای ایمان پی‌ریزی می‌شود و آن چه از افراد و گروه‌های مختلف جامعه‌ای واحد می‌سازد، پیوندهای ایمانی است.<sup>۲</sup> بر این اساس، عامل اصلی پیوند و همبستگی اعضای جامعه‌ی اسلامی اشتراک آن‌ها در نظام معنایی توحیدی است. همین عامل است که تمامی تفاوت‌های غیر عقیدتی را کمرنگ کرده و پاره‌گی‌ها و شکاف‌های موجود میان آحاد جامعه را ترمیم می‌کند. سیاه را در کنار سفید می‌نشانند، فقیر را همنشین غنی قرار می‌دهد، آهنگر را هم صحبت برزگر می‌کند و مکی را برادر مدنی می‌خواند. پیوند ایمان، بر هر علقه و پیوند دیگری برتری دارد و هیچ نوع تعلقی نمی‌تواند بر آن مقدم شود. از همین رو، پیوند و ولاء میان مسلمانان و کفار ممنوع است.<sup>۳</sup>

قرآن ایمان را یگانه عامل جدایی و پیوند معرفی کرده و هر رابطه‌ی دیگری را گسستنی اعلام می‌کند، هر چند پیوندهای خونی و نسبی باشد: «خویشان و فرزندان شما در روز قیامت سودی به حال شما ندارند چرا که خداوند بین شما در آن روز جدایی می‌اندازد».<sup>۴</sup>

اسلام نه تنها نسبت‌ها و پیوندهای خونی و نسبی را بر تعلقات ایمانی مقدم نمی‌دارد، بلکه از مؤمنان می‌خواهد تا پیوندهای خویشاوندی و زناشویی خویش را نیز بر مبنای اشتراکات ایمانی استوار سازند: «زنان مشرکه را تا ایمان نیاورده‌اند به زنی مگیرید و کنیز مؤمنه بهتر از آزادزن

۱. صدر، محمد باقر، اقتصادنا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۸۰.

۲. توبه، ۷۱.

۳. ممتحنه، ۱.

۴. ممتحنه، ۳.

مشرکه است، هر چند شما را از او خوش آید. و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند زن مؤمنه مدهید. و بنده مؤمن بهتر از مشرک است، هر چند شما را از او خوش آید.<sup>۱</sup> علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «اسلام جامعه را بر مبنای عقیده بنیان‌گذاری می‌کند، نه نژاد و وطن و امثال آن؛ و حتی در اموری چون زناشویی و خویشاوندی، در بهره‌برداری‌های جنسی و میراث نیز همین مبنا را برگزیده است؛ یعنی مدار زناشویی و خویشاوندی را اشتراک در توحید قرار داده، نه جایگاه و وطن.»<sup>۲</sup>

به خلاف نظام‌هایی که انسجام اجتماعی را صرفاً با اتکای به سلطه و قدرت برهنه محقق می‌سازند، در نظام سیاسی مطلوب و آرمانی اسلام، این اشتراک در ایدئولوژی و جهان‌بینی است که وحدت و همبستگی اجتماعی را فراهم می‌سازد و نه سلطه محض و نه صرفاً تأمین منافع گروه‌های مدنی. از همین رو، رهبران سیاسی در چنین جامعه‌ای برای حفظ وفاق و یکپارچگی نیازمند اتکا به دستگاه‌های سلطه و آمریت گسترده نیستند و نیز به صرف بروز مشکلات و کاستی‌ها در تأمین منافع و رفاه عمومی، دچار مشکل نمی‌شوند.<sup>۳</sup>

به تعبیر جامعه‌شناختی، پایه‌ریزی جامعه بر مبنای جهان‌بینی توحیدی و بنیاد نهادن نظام اجتماعی بر مبنای اهداف و ارزش‌های مشترک، وحدت، انسجام و یکپارچگی را در سطح سیستم و یا نظام اجتماعی شالوده‌ریزی می‌کند.<sup>۴</sup> تأسیس ۱۳۹۴

## بستر سازی نهادی

معمولاً تأکید بر وجوه مشابهت ایدئولوژیک و اتخاذ سیاست‌های انسجام‌گرا و وحدت‌آفرین از طریق ذوب تنوع‌های اجتماعی در دل ایدئولوژی، با این انتقاد مواجه می‌شود که این سیاست‌ها جامعه را به سمت توده‌ای شدن به پیش می‌برد.<sup>۵</sup> جامعه‌ی توده‌ای جامعه‌ای است که چه بسا

۱. بقره، ۲۲۱.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۱۲۴.

۳. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، صص ۵۳۵-۵۳۶.

۴. همان، ص ۵۵۸.

۵. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، ص ۵۳۹.

مهم‌ترین مولفه‌های مفهومی آن عبارت باشد از: بی‌ثباتی، تعصب گوسفندوار، همناختی و بی‌هدفی، پیرو بودن، گردآمدگی‌های بی‌شکل انسانی، عامل ایجاد کننده‌ی حکومت‌های خودکامه که به صورت غلتکی اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا گروه‌های اجتماعی از هر گونه را زیر سنگینی خود خُرد کنند.<sup>۱</sup> در جامعه‌ی توده‌ای افراد به شکل ذره‌های پراکنده در می‌آیند.<sup>۲</sup> چه بسا بسیاری از این نقدها وارد باشد و چه بسا هر یک از آن‌ها کلی‌گویی‌های شعار گونه‌ای بیش نباشند. با وجود این، آن چه تحت عنوان استراتژی تنوع ارگانیک از آن یاد می‌شود، به هیچ وجه راه را بر تنوعات اجتماعی و فعالیت و مشارکت گروه‌ها و نیروهای سیاسی نمی‌بندد. افراد در جامعه‌ی اسلامی به هیچ وجه به توده‌های متراکم انسانی بدل نمی‌شوند، بلکه همواره به مشارکت فعال و سازماندهی شده در امور سیاسی و ادراهی عمومی جامعه تشویق می‌شوند. امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت و خیرخواهی برای حاکمان، بیش از هر چیز این نکته را یادآور می‌شود که افراد در جامعه‌ی اسلامی در بسیاری از اوقات نسبت به نخبگان حضوری پیشرو، هدایت کننده، انگیزه آفرین و اصلاح کننده دارند.

در عین حال، برای این که رقابت و تنازع گروه‌های اجتماعی از حدود یک رقابت مثبت خارج نشود، اسلام بسترهای ساختاری مورد نیاز برای رقابت سیاسی سالم و سازنده را فراهم می‌کند. این بسترهای ساختاری، که در هر جامعه‌ای برای ایجاد انسجام و وفاق در عین رقابت و مشارکت گروه‌های اجتماعی مورد نیاز هستند شامل دو محورند. نخست وجود قوانین، قواعد و هنجارهای مستقر که تمامی گروه‌های اجتماعی بایستی فعالیت‌های خود را در چارچوب آن تنظیم کنند. دوم، احساس هویت و وحدت در بین گروه‌های مذکور از حیث این که جملگی کنشگرانی هستند که در ذیل قواعد و نهادهای مذکور سیاست‌ورزی می‌کنند، گسترش یابد. بنابراین، امکان رقابت سالم و سازنده نیازمند ظرفیت‌سازی ساختاری در سه بعد ساختارهای حقوقی، نهادهای مستقر سیاسی و ساختارهای فرهنگ سیاسی می‌باشد.<sup>۳</sup>

۱. گولد، جولوس؛ کولب، ویلیام، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۸۹.

۲. واعظی، احمد، جامعه‌ی مدنی، جامعه‌ی دینی، ص ۵۰.

۳. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، ص ۵۴۶.

## ساختارها و قواعد حقوقی

پیش از هر چیز، حضور رقابت‌آمیز گروه‌های اجتماعی نیازمند چارچوب‌های حقوقی است که شرایط و حدود و ثغور رقابت مثبت و سازنده را مشخص سازند. نوع و میزان اموری که قابل حل و فصل به وسیله‌ی مشارکت و رقابت سیاسی است در فرهنگ‌های سیاسی مختلف فرق می‌کند. ممکن است در جامعه‌ای رقابت حتی در عرصه‌ی اهداف سیاسی و اجتماعی نیز جایز باشد. رقابت میان ایدئولوژی‌های دست راستی و چپ‌گرایان سوسیالیست، در بسیاری از اوقات، رنگ رقابت بر سر آرمان‌ها و اهداف را به خود می‌گیرد. در عین حال ممکن است رقابت صرفاً در زمینه‌ی تغییر و انتخاب وسایل رسیدن به اهداف، مجاز به شمار رود. ولیکن اهداف از پیش تعیین شده مصون از رقابت باشند.<sup>۱</sup>

انسان‌ها موجودات آزادی‌آفریده شده‌اند و فعالیت آزادانه، اقتضای طبیعت انسان است. با وجود این، زندگی اجتماعی این طبیعت اولیه را محدود می‌کند. حیات اجتماعی پیوند اراده‌ها و کنش‌های انسانی و تلفیق آن‌ها در یک مجموعه‌ی واحد است. برای این که این تلفیق و پیوستگی همچنان برقرار بماند، بایستی قوانینی وجود داشته باشد تا اراده و کنش انسان‌ها را محدود و مقید سازد. همان طبیعتی که حکم به ضرورت حیات اجتماعی برای انسان می‌دهد، پذیرش حیات اجتماعی را جز از رهگذر محدودیت‌های قانونی امکان‌پذیر نمی‌یابد.<sup>۲</sup>

قرآن نیز آزادی و اختیار گروه‌های مختلف اجتماعی را تا زمانی می‌پذیرد که تشریح الهی در آن مورد نازل نشده باشد. هنگامی که در مسأله‌ای خداوند قانون مشخصی را جعل و اعلام کند، دیگر اختیار و آزادی مؤمنان معنا ندارد: «هیچ مرد و زن با ایمانی را در کاری که خدا و رسول او حکم می‌کنند، اختیاری نیست».<sup>۳</sup> به بیان مفسران در ذیل این آیه، مراد از قضاء و حکم نه قضاء تکوینی، بلکه تشریح و قانونگذاری است.<sup>۴</sup> هیچ یک از خصوصیات و ویژگی‌های فردی و یا اجتماعی یک فرد مسلمان، اعم از ویژگی‌های روحی، عاطفی، فکری و یا تعلقات قومی،

۱. همان، ص ۵۹۷.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۱۰۲.

۳. احزاب، ۳۶.

۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۱۶، ص ۴۸۰.

فرهنگی، حزبی و... نمی‌توانند حقیقت بیان شده در این آیه را مقید سازند. مؤمنان از هر گروه و طایفه و با هر رنگ، زبان، اندیشه و روحیه بایستی در مقابل دستورات و قوانین شرع تسلیم و پذیرا باشند. تعلق مومن به جامعه‌ی اسلامی و هویت اسلامی و ایمانی او بر هر تعلق گروهی و هویت‌های خُرد دیگر مقدم است.<sup>۱</sup>

مشاجره و منازعه در یک جامعه امری گریزناپذیر است. مسلمان واقعی کسی است که در چنین شرایطی، هنگامی که اختلاف میان او و دیگر مسلمانان شدت پیدا کرد و به مرز مشاجره و منازعه رسید، قانون و حکم خداوند و پیامبر او را فصل‌الخطاب این نزاع تلقی کنند.<sup>۲</sup>

## فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی معطوف به رقابت و مشارکت می‌تواند از تأثیر زبانبار چندپارگی‌های اجتماعی بکاهد. در عقاید و فرهنگ سیاسی، سیاست ممکن است حرفه‌ای متضمن همکاری و یا آمیخته با تخاصم تلقی شود. به طور کلی در چشم‌انداز منازعه یا سازش میان گروه‌ها و تشکلات سیاسی سه شیوه‌ی برخورد در عقاید و فرهنگ سیاسی گروه‌های سیاسی می‌توان یافت. برخی از گروه‌ها سیاست را اساساً مشغله‌ای خصمانه تلقی می‌کنند و واسطه میان گروه‌های سیاسی مختلف را رابطه‌ی برد و باخت مطلق به شمار می‌آورند. در این جا سیاست بازی مرگ و زندگی است؛ پس بهترین راه برای تأمین منافع منازعه است و سازش نتیجه‌ای جز باخت ندارد. در برخی از فرهنگ‌های سیاسی هر گونه منازعه و کشمکش ناشایست تلقی می‌شود و عدم منازعه شرط سلامت نظام سیاسی به شمار می‌رود. این دو نگرش در واقع دو روی یک سکه‌اند و منازعه در آن‌ها به گونه‌ای تعریف می‌شود که هر گونه اشتراک و وحدتی را از میان برمی‌دارد. اما تنوع ارگانیک، ناظر به ترکیبی از سازش و ستیزه و وحدت و کثرت است که با واقعیت زندگی سیاسی نیز تناسب بیشتری دارد. منازعه و سازش در چارچوب قوانین الهی و ساختارهای سیاسی و میان کنشگرانی صورت می‌گیرد که وجوه مشترک عقیدتی جامع هویت‌های متنوع آن‌ها است و اساس سیاست‌ورزی بر سازش است، لکن چون در تمامی مسائل امکان آن وجود ندارد بنابراین

۱. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، ج ۱۸، ص ۳۱۰.

۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۵.

منازعه تا حدی پرهیز ناپذیر است و البته ذاتاً هم بد نیست زیرا از درون آن مآلاً سازش پدید می‌آید.<sup>۱</sup>

قرآن کریم به تمامی مسلمانان یادآور می‌شود که فارغ از تمامی تعلقات متنوعی که دارند و صرف نظر از تمامی اختلافاتی که در میان آن‌ها برقرار است، پیش از هر چیز آن‌ها مسلمان هستند و در تعاملات سیاسی نیز آن بر مبنای همین هویت مشترک کنش‌های سیاسی آن‌ها صورت‌بندی می‌گردد: «به تحقیق که اهل ایمان با هم برادرند، بنابراین بین برادران صلح برقرار کنید».<sup>۲</sup>

«اخوت» همان هویت مشترکی است که تمامی بازیگران عرصه‌ی سیاست در جامعه‌ی اسلامی را به یکدیگر پیوند می‌زند. مخالفت سیاسی هیچ‌گاه نباید باعث شود که جامعیت «اخوت» به عنوان هویت سیاسی کنشگران مختلف با چالش مواجه شود. در صورتی که تصور بازیگران از مخالفت سیاسی، دشمنی باشد، قاعدتاً سیاست بیشتر به معنای فن از میدان به در کردن دشمنان خواهد بود، حال آن‌که در وضعیتی که علی‌رغم مخالفت‌های سیاسی و تقابل آراء و نظرات، بازیگران همچنان به یکدیگر به چشم برادرانی بنگرند که رشته‌ای ناگسستنی آن‌ها را به یکدیگر پیوند زده است، سیاست بیشتر به معنای هنر جلب همکاری، سازش و اصلاح تلقی خواهد شد.<sup>۳</sup> قرآن کریم نیز بر همین اساس، به مؤمنان یادآور می‌شود که مؤمنانی که دچار اختلاف شده‌اند، بایستی با تکیه بر هویت مشترک خویش که تحت عنوان «اخوت» از آن یاد شده است، رابطه‌ی میان خویش را اصلاح کنند. در فرهنگ سیاسی قرآنی، اخوت به عنوان هویت مشترک بازیگران معرفی می‌شود و «اصلاح»، سازش و همگرایی به عنوان سرشت سیاست‌ورزی عنوان می‌گردد.

۱. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، صص ۵۹۸-۵۹۹.

۲. حجرات، ۱۰.

۳. بشیریه، حسین، موانع توسعه‌ی سیاسی در ایران، تهران، انتشارات گام نو، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶.

۱. گولد، جولپوس؛ کولب، ویلیام، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی گروه مترجمان، به کوشش محمد جواد زاهدی، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۹۲.
۲. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۶.
۳. دلیریور، پرویز، درآمدی به نظریه‌های گوناگون پیرامون جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی؛ در: نوریس، پینا؛ کدی، نیکی‌آر و دیگران، جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی، نگارش و برگردان: پرویز دلیریور، علیرضا سمعی اصفهانی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۸.
۴. صبوری، منوچهر، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
۵. قوام، عبدالعلی، تحول در مفهوم توسعه‌ی سیاسی، در: تدبیر، مرداد ۱۳۷۰، شماره ۱۴.
۶. سریع القلم، محمود، اصول ثابت توسعه‌ی سیاسی، در: اطلاعات سیاسی اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، شماره ۵۵ و ۵۶.
۷. لاریجانی، محمد جواد، تدین حکومت و توسعه، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه‌ی معاصر، ۱۳۷۷.
۸. واعظی، احمد، جامعه‌ی مدنی، جامعه‌ی دینی.
۹. سجادی، عبدالقیوم، مبانی تحزب در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب.
۱۰. دوروزه، موریس، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۱۱. چلبی، احمد، جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۷۴، ج ۱۴.
۱۳. فضل الله، سیدمحمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹، ج ۱۵.
۱۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، مکرر، ج ۲۳.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲، ج ۵.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۹.
۱۷. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰، ج ۱۱.
۱۸. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق، ج ۴.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه‌ی محمد جواد حجتی کرمانی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۲۰. هانتینگتون، ساموئل، موج سوم دموکراسی، ترجمه‌ی احمد شهسا، تهران، نشر روزنه، ۱۳۷۳.
۲۱. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۶.
۲۲. نهج البلاغه.
۲۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳.
۲۴. رحیم‌پور ازغدی، حسن، مدارا نه از راه پلورالیزم، تهران، انتشارات طرح فردا، ۱۳۸۸.
۲۵. رشاد، علی اکبر، دموکراسی قدسی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
۲۶. صدر، محمد باقر، اقتصادنا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام.
۲۸. واعظی، احمد، جامعه‌ی مدنی، جامعه‌ی دینی.